

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد

۲۴ جنوری ۲۰۱۷

سهل انگاری و بی‌مبالاتی نظام، جان‌ده‌ها کارگر را گرفت

حوادث کارگری و بی‌مبالاتی رژیم جمهوری اسلامی، همچنان دارد، جان‌کارگران را در میادین تولیدی، توزیعی و ساختمانی می‌گیرد. ساختمان ۱۷ طبقه و بزرگ پلاسکو سوخت و بر پرونده بی‌مسئولیتی نظام افزود. آتش‌سوزی در مدارس به دلیل فقدان سیستم گرمایشی منطبق با استانداردهای بین‌المللی، خرابی بیغوله‌های محروم‌ترین اقشار جامعه، در اثر حوادثی همچون باد و باران و سیل، قطع دست و پا در میادین تولیدی به دلیل فقدان امکانات اولیه ایمنی و غیره، از زمره حکایت و معضلاتی‌ست که در برابر میلیون‌ها کارگر و زحمتکش ایران قرار گرفته است. بی‌تردید در آتش سوختن کارگران در ساختمان پلاسکو، از جمله آخرین حادثه‌ها خواهد بود و بنابه گفته «معصومه آباد»، رئیس کمیته ایمنی شورای شهر تهران، ۳۰۰۰ نایمن دیگر در تهران، در انتظار فاجعه‌ای همچون ساختمان پلاسکو می‌باشند.

براستی مسئولیت اصلی چنین فجایع دردناکی، به گردن چه کس، و یا کسانی است و چه زمان، کارگر در میادین استنثار، از شر این‌دست رویدادها خلاصی خواهند یافت و جامعه بیش از این، شاهد تلف شدن ده‌ها، صدها و یا هزاران نفر، در اثر بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری‌های مسئولین و مقامات دولتی نخواهد بود؟

به طور قطع پاسخ حقیقی به سوال فوق، ربط مستقیمی به مناسبات و قانون‌مندی‌های حاکم بر جامعه دارد و باید دانست که، تازمانی نظام‌های سرمایه‌داری و از جمله سران رژیم جمهوری اسلامی، با اعوان و انصارشان بر سر کاراند، جامعه کارگری از این‌دست بلایای غم‌انگیز، خلاصی نخواهد یافت. چرا که سرنوشت دردناک زندگی میلیون‌ها انسان دردمند، با سرنوشت سرمایه‌داران و جانیان بشریت گره خورده است؛ چرا که سرمایه‌دار، با قطع و با محدود نمودن امکانات کاری - ایمنی و بهداشتی، به دنبال سود بیشتر است، بی‌دلیل هم نیست که، کارگر را در بدترین موقعیت و شرایط کاری قرار می‌دهد تا بر موقعیت مالی خود بیفزاید. خرابی در اثر حوادث پائین و همچنین فقدان امکانات کاری در کنار ناامنی‌های شغلی، زندگی را به کام کارگران تلخ نموده است. درد و مشکلات کارگر، در زیر سایه نظام‌های سرمایه‌داری و از جمله رژیم جمهوری اسلامی، یکی دو تا نیست. در نظامی که دست‌مزد کارگر منطبق بر تورم جامعه نیست؛ در نظامی که پول کارگران را به بهانه‌های متفاوت بالا می‌کشند و بعضی از آنان، بیش از به دو سال است‌که، از دریافت حقوق‌های‌شان با سرمایه‌داران و رژیم حامی آن، در جنگ و جدال‌اند، واقعه آتش‌سوزی و با خاک یک‌سان شدن ساختمان ۱۷ طبقه پلاسکو هم، نمی‌تواند، امری بعید و به دور از انتظار باشد؛ ساختمانی که، شرکت گاز، به دلیل

ناامنی و غیر استاندارد بودن آن، حاضر به انشعاب گاز آن نبود، ساختمانی که، بارها و بارها، از جانب دوائر متفاوت و آن هم به عنوان ساختمان ناامن رصد شده بود.

پیشاپیش می‌دانستند که این ساختمان فاقد پائین‌ترین امکانات ایمنی است، می‌دانستند که بی توجهی بدان، جان کارگران را خواهد گرفت. اما و علی‌رغم چنین شناختی، به جای علاج خرابه‌ها، و به جای جلوگیری از وقوع چنین رخداد ناگواری، نظاره‌گر فرو ریختن ساختمان ۱۷ طبقه بر سر کارگران شده‌اند. پُر واضح است که حادثه پلاسکو تک نمونه نبوده و نیست و در این چند دهه، نظام جمهوری اسلامی به همراه دولت‌های رنگارنگش، بر اوضاع کاری و بر زندگی دهشتناک کارگران افزوده‌اند. چرا که کار و بارشان هر چه محدود نمودن زندگی محروم‌ترین اقشار جامعه و همچنین حمایت بی چون و چرا از استثمارگران و چپاولگران، اموال عمومی است، در این میان هر زمان، کارگر برای مطالبات بحقش علیه کارفرمایان و صاحبان تولیدی پیرامون دریافت حقوق‌های معوقه‌اش و دستیابی به تجهیزات کاری - ایمنی، دست به اعتراض زده است، با ارگان‌های سرکوبگر نظام مواجه شده است. همه دولت‌ها و از جمله دولت "تدبیر و اعتدال" روحانی هم، در چنین راستا و مسیری در حرکت است؛ دولتی که، بدون فوت وقت، به استثمار و به سرکوب کارگران پرداخته است، تا چرخش دم و دستگاه‌های طبقه سرمایه‌داری، از حرکت باز نایستند؛ دولت "تدبیر و امید"ی که در این چند ساله، به جای رفع و رجوع معضلات رو در روی کارگران و زحمت‌کشان، بر معضلات و بر بی‌امکانی‌های میادین متفاوت استثمار افزوده، همواره و همواره، طرف کارفرمایان و صاحبان تولیدی را گرفته است. بر همین اساس، همه دست اندرکاران و حامیان نظام، در بروز فاجعه ساختمان پلاسکو دخیل‌اند و بایست و می‌باید، تاوان ناکرده‌ها و جنایتکاری‌های شان را باز پس دهند.

به بیانی روشن‌تر سرمایه‌داران برای کاهش هزینه‌ها و درآمد بیشتر، از جان کارگران مایه می‌گذارند، به هر رذالت و پستی، تن می‌دهند. جان و زندگی کارگر برای سرمایه‌دار و دولت حامی آن، کمترین ارزش و جایگاهی ندارد و می‌توان هزاران حادثه مرگبار و قطع دست و پا در میادین استثمار را، ردیف نمود و نشان داد، که کارگران، در چه شرایط ناهنجاری، مشغول به کار طاقت‌فرسا و دردناک‌اند. در ایران زیر حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، استانداردهای کاری و وسائل ایمنی - ساختمانی، بسیار پائین و خطرناک است، به طور نمونه یکی از مأموران آتش‌نشانی در فاجعه پلاسکو می‌گوید: "ما ۵ هزار نیروی عملیاتی هستیم اما با هزار لباس آتش‌نشانی. متأسفانه به خاطر بی‌توجهی‌های مدیران مان و مسؤولان شهری با کمبود امکانات روبه‌رو هستیم که کار را برای ما سخت کرده است. اگر کیفیت لباس‌های ما بهتر شود به طور قطع راحت‌تر می‌توان دل به آتش زد. ولی گاهی همین ابتدائی‌ترین مسائل مشکل‌ها را برایشان دو چندان می‌کند."

آری، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، به جای خرید دستگاه‌ها و ماشین‌های کارساز، برای جلوگیری از حریق و دیگر حوادث مرگ‌زای، در فکر خرید ماشین‌های آب‌پاش ضد شورش، و دیگر دم و دستگاه‌های سرکوب جنبش‌های حق‌طلبانه و اعتراضی‌اند. بنابراین یک راه، برای جلوگیری و از بین رفتن این دست فجایع وجود دارد و آن هم، قطع سلطه سرمایه‌داران از جامعه است. تنها راه نجات، و فرار از وقوع صدها حادثه طبیعی جان‌گیر، در گرو، به زیر کشیدن سران حکومت جمهوری اسلامی است، باید دانست، تا زمانی که سیاست استثمار و چپاول اموال عمومی، بر فضای جامعه ایران سنگینی می‌کند، معضلات و حوادثی همچون ساختمان پلاسکو متحمل، و جامعه کارگری بیش از پیش، شاهد تلف شدن تعدادی دیگر از هم‌قطاران‌شان، خواهد بود.

۲۳ جنوری ۲۰۱۷ - ۴ بهمن [دلو] ۱۳۹۵